

پارلمان اقلیم کردستان در اربیل را باید بر سرشان خراب کرد!

نسان نودینیان



روز ششم ژوئیه صدها نفر از مردم مبارز شهر سلیمانیه در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق و دستمزد خود به دفتر پارلمان اقلیم کردستان عراق در سلیمانیه حمله کردند. بیش از شش ماه است حقوق و مزایای بخشهای زیادی از کارمندان و کارگران پرداخت نشده است.

در اربیل صدها نفر از کشاورزان به دلیل بسته شدن جاده ها به استان های دیگر منطقه و ناتوانی در فروش و کاهش قیمت محصولات خود، دست به اعتراض زدند. محصولات خود را در خیابان ریختند.

شیوع ویروس کرونا و اجرا شدن محدودیتهای اجتماعی از جمله قرنطینه شدن مردم و نداشتن تامین معیشت برای توده وسیعی از مردم در کردستان عراق خود موجبات نارضایتی را بیشتر کرده است. مردم میگویند قرنطینه بدون تامین معیشت ممکن نیست. در کردستان عراق هزاران نفر از مردم و جوانان کارگر مزدی هستند که با فروش نیروی کار در روز و دریافت مزد روزانه میتوانند معیشت خود و خانواده هایشان را تامین کنند.

اعتراضات کوبنده مردم شهرهای کردستان عراق در چند ماه گذشته علیه پرداخت نشدن حقوقها، برای تامین معیشت و علیه فساد و دزدی و اختلاس در اقلیم کردستان در جریان است.

در چند ماه گذشته مردم علیه شرایط ناسامان معیشتی و برای پایان دادن به فقر و فلاکت و بیکاری، علیه حاکمان فاسد و دزد احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان دست به تجمع و اعتراض خیابانی

زده اند. مردم کردستان عراق اینبار با بدست گرفتن تجارب اعتراضات سراسری در عراق و میدانهای تحریر و با درجه ای از سازماندهی توده ای، در ابعاد وسیع و گسترده ای خشم و نارضایتی هایشان را بشکل رادیکال ابراز کرده اند.

در شرایط کنونی اعتراضات سراسری در شمال و مرکز و جنوب عراق توسط توده های ناراضی زنان، کارگران و جوانان در جریان است. از اکتبر سال ۲۰۱۹ در بغداد و چندین شهر در میدانهای تحریر اعتراض به سیستم قومی - مذهبی حاکم در عراق در جریان است. اعتراضات کوبنده مردم در کردستان عراق ادامه اعتراضات سراسری به سیستم کنونی است که دستگاه حاکم در اقلیم کردستان بخشی از حاکمیت قومی - مذهبی و دزد و فساد است.

حمله مردم ناراضی به دفتر پارلمان اقلیم کردستان اعتراضی انقلابی و نشانه خشم و نارضایتی رادیکال مردم در کردستان است. احزاب دزد و فاسد ناسیونالیست حاکم در کردستان بر دریایی از خشم و تنفر توده های مردم قرار گرفته اند. مردم در ابعاد وسیع و توده ای به احزاب حاکم بی اعتماد شده اند. و هر روز رادیکالتر و کوبنده تر دست به اعتراض میزنند. ویران کردن پارلمان اقلیم کردستان و ایجاد حاکمیت شورایی امروز بیش از هر دوره ای افق و آلترناتیو قابل دسترسی است.

۱۶ تیر ۱۳۹۹

۶ ژوئیه ۲۰۲۰

آب در خوابگاه مورچگان مروری بر نقش و اهداف برنامه ای پ ک ک و پژاک (قسمت اول و دوم)

عبدال گلپریان

صفحه ۲

فراخوان بازنشستگان برای تجمع در مقابل تامین اجتماعی

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴



شعری برای منصور حکمت

آذر پویا

صفحه ۴

بیماری کرونا در سراسر کشور در حال اوجگیری است حکومت همچنان دروغ میگوید

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

یدی محمودی

صفحه ۵

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی

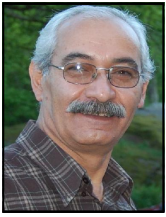
صفحه ۶

اطلاعیه های حزب ویژه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

- * کارگران هفت تپه در بیست و دومین روز اعتصاب: خواسته هایمان را میگیریم!
- * کارگران هفت تپه در روز بیست و یکم اعتصاب
- * ابتلای یوسف بهمنی و جمع دیگری از کارگران نیشکر هفت تپه به کرونا
- * راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه در خیابانهای مرکزی شوش
- * نوزدهمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه تا آخر به اعتصابمان ادامه میدهیم
- * تجمع کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری شوش
- * کارگران مجمع عمومی شان را مقابل فرمانداری تشکیل دادند

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



عبدل گلپریان

در مناطقی از کردستان ایران در آمد و رفت هستند را باید در این چهارچوب مورد ارزیابی قرار داد. وجه مشخصه موجودیت و موضوعیت پژاک، اسلامی بودن و مسلح بودن آن است که میتواند این رسالت را بعنوان سلی در بزنگاههای تحولات سیاسی و اعتراضی مردم در کردستان برعهده بگیرد. جالب این است در حالیکه احزاب ناسیونالیست سنتی تر نظیر هر دو حزب دمکرات و دیگر جریانات مسلح موسوم به طیفهای کومه له که نیروی مسلح دارند و سابقه دارتر و شناخته شده تر از پژاک هستند، براحتی نمیتوانند حتی در مناطق مرزی حضور پیدا کنند اما پژاک ۱۶ ساله و تازه بدوران رسیده میتواند مناطق اورامانات و مریوان، تا دیگر نواحی نزدیک به مقرهای پک ک نزدیک ارومیه را با آرامش خیال جولان بدهد.

حکومت اسلامی برای عقب زدن چپ اجتماعی در کردستان ایران بویژه برای مقطع سرنگونی اش نیازمند سازمان دادن و ساختن دهها باند و شبکه مخرب نظیر مکتب قرآن و جریانات سلفی است که در مقابل مبارزات مردم سد و مانع ایجاد کند از این رو برای تامین این سناریو و با کمک و همکاری پک ک، پژاک ضرورت پیدا میکند که بعنوان یک بازوی مسلح علنی در کردستان ایران زیر بغل حکومت اسلامی را بگیرد.

در قسمت بعدی به اهداف اصطلاح برنامه ای پژاک خواهیم پرداخت.

۱۲ تیر ۱۳۹۹

۲ ژوئیه ۲۰۲۰

آب در خوابگاه مورچگان (قسمت دوم)

در قسمت دوم این نوشته به اهداف برنامه ای پژاک و مواردی از این سند که لازم به پرداختن به آن

صفحه ۳

عیان میشود. افراد و عناصر متشکل در سازمان پژاک هنوز هم قادر نیستند این پنهانکاری را در شکل گیری خود توضیح دهند.

مسئله دیگری که لازم به پرداختن به آن است یکم اساس موجودیت این سازمان و دوم نقش و اهداف پژاک در کردستان ایران است که تم و سوژه اصلی برنامه رادیو پیام در این تقابل بود و نماینده پژاک پاسخ روشنی برای آن ارائه نداد و تنها به انکار اخذی و آدمکشی بسنده کرد.

اساس موجودیت سازمان پژاک
فعالیت نیروها و گرایش اجتماعی چپ در کردستان ایران یک معضل دائمی برای حکومت اسلامی و همچنین معضل همیشگی برای احزاب ناسیونالیست کرد بوده است. بعد از گذشت چهار دهه از حاکمیت اسلامی در ایران، کمونیستها، چه در قامت حزب و سازمان و چه در قامت نیروی اجتماعی آن، همیشه مورد آماج و تعرض افسارگسیختگان اسلامی حاکم برجامعه بوده اند. در سالهای اخیر بویژه قبل از تولد پژاک توسط پک ک به این سو، چپ در جامعه کردستان از اعتبار و اتوریته بالایی در میان جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی، زنان، جوانان، فعالین حقوق کودک، فعالین محیط زیست و دیگر بخشهای جامعه کردستان برخوردار بوده است و این اعتبار بعنوان سنتی جا افتاده خصلت نمای فضای اعتراضی علیه حکومت اسلامی در کردستان است.

قبل از ظهور پژاک حکومت اسلامی تلاش کرد جریان مکتب قرآن و جریان سلفی دیگری را در کردستان پروبال دهد. این دو جریان از سوی نهادهای حکومت و با کنترل بر فعالیتشان به راه حلی برای حکومت اسلامی در تقابل با چپ جامعه تبدیل شدند. حکومت اسلامی نیاز داشت و دارد که در صورت ابراز وجود قدرتمند چپ در جامعه کردستان، افسار این دو شبکه اسلامی که ظاهرا نیروی مسلح علنی ندارند و زیر سایه حکومت به شبکه سازی برای روز مبادا مشغول هستند را در مقاطع مورد نیاز برای ایجاد فضای رعب، اندکی شل کند.

ضرورت راه اندازی پژاک در قامت نیروی مسلح علنی که آزادانه

نمیتواند حضور خود در منطقه را که از جانب حکومت اسلامی پذیرفته شده است انکار کند.

نکته دوم اما این است که سازمان پژاک بعد از سرهم بندی شدن توسط پک ک که رابطه دوستانه و نزدیکی با جمهوری اسلامی دارد راه اندازی شد. ابتدا سخنگوی پژاک بنام "سوران خدری" هر گونه تعلق پژاک به پک ک را در مصاحبه با بی بی سی در سال ۲۰۱۱ رد میکند. بعدها که بیشتر همخونی و همزادی پژاک با پک ک عیانتر میشود، نه تنها دیگر قادر نمیشود آنرا انکار کند بلکه با افتخار خود را طرفدار خط مشی تئوریک و ایدئولوژی "رهبر آپو" (عبدالله اوجلان) معرفی میکند.

اینجا یک نکته لازم به اشاره است. ایراد بر سر این نیست که در یک منطقه جغرافیایی یک سازمان چپ پیرو خط مشی و اهداف سازمان دیگری در آنسوی کره زمین است بلکه سؤال از پژاک این است که چرا ابتدا موجودیت خود را بعنوان شاخه ای از پک ک انکار میکند و سپس بعد از مدتی خود را مفتخر به حضور در رکاب پک ک معرفی میکند؟ آیا این نوعی شیطانی و کلاشی نیست؟ این پنهانکاری بخاطر چه بوده است و چرا آنرا از همان ابتدای اعلام موجودیت خود بطور شفاف و روشن اعلام نکرده است؟ پاسخ را باید در اینجا پیدا کرد که در ابتدای ظهور پژاک، این سازمان نمیتوانست خود را به پک ک که رابطه نزدیک و دوستانه با جمهوری اسلامی دارد معرفی کند. اگر این کار را میکرد کسی برایش تره هم خرد نمیکرد. باید مدت زمانی آنرا پنهان میکرد و خود را بعنوان "یک سازمان مستقل" بشناساند تا به اصطلاح جا بیافتند و از ابتدای شروع فعالیت

نیروهای مسلح سازمان پژاک در روز روشن و در مقابل چشمان بستگان این افراد، فعال سابق پک ک سامان دانشور و کولبر زحمتکش سوران اختر را که اگر بدست افراد مسلح پژاک برای باجخواهی او را بقتل نمیرساندند، ممکن بود روزی از روزها بدست مزدوران جمهوری اسلامی به او شلیک میشد. اینها نمونه هایی از آدمکشی سازمان پژاک است که در حافظه مردم ثبت شده است و برای توجیه این عملکرد ضد انسانی شان حکومت جنایت پیشه اسلامی را که سردهسته آدمکشان است به افکار عمومی نشان میدهند. تمامی این فجایع که توسط هر باند و دسته ای صورت گرفته باشد، قطعاً حمایت حکومت اسلامی را با خود به همراه دارد. سازمان پژاک هر چیزی را انکار کند

آب در خوابگاه مورچگان مروری بر نقش و اهداف برنامه ای پک ک و پژاک (قسمت اول و دوم)



صفوف نیروهای مسلح پک ک فعالیت داشت و بعد از اینکه صفوف پک ک را ترک کرد او را وحشیانه و بزدلانه در مزرعه بقتل رسانیدند. آیا سامان دانشور "مزدور حکومت اسلامی بود و بدست باند دست ساز حکومت بقتل رسید؟ سوران اختر کولبر چی؟ اگر مبلغ مورد نظر افراد مسلح پژاک که سوران قادر به پرداخت آن نبود تامین میشد باز هم دست از سرش برمیداشتند؟ پژاک به عمد و آگاهانه از پاسخ به این آدمکشی و باجگیری از امسال سوران اختر کولبر خود را به کری و کوری میزند. عمق این دست از آدمکشی و باجگیری جدی جنایتکارانه است که برای لاپوشالی کردن آن، تاریخچه باند رقیب دیگری نظیر هیوا تاب را به مردم نشان میدهند. میخوانند بگویند آدمکشی پژاک به گرد پای آن باند مخوف نمیرسد و چرا دارید شلوغش میکنید.

نیروهای مسلح سازمان پژاک در روز روشن و در مقابل چشمان بستگان این افراد، فعال سابق پک ک سامان دانشور و کولبر زحمتکش سوران اختر را که اگر بدست افراد مسلح پژاک برای باجخواهی او را بقتل نمیرساندند، ممکن بود روزی از روزها بدست مزدوران جمهوری اسلامی به او شلیک میشد. اینها نمونه هایی از آدمکشی سازمان پژاک است که در حافظه مردم ثبت شده است و برای توجیه این عملکرد ضد انسانی شان حکومت جنایت پیشه اسلامی را که سردهسته آدمکشان است به افکار عمومی نشان میدهند. تمامی این فجایع که توسط هر باند و دسته ای صورت گرفته باشد، قطعاً حمایت حکومت اسلامی را با خود به همراه دارد. سازمان پژاک هر چیزی را انکار کند

برنامه ای بنام "تقابل" از رادیو پیام کانادا تحت عنوان، "نقش و اهداف سازمان پژاک" به دعوت مدیر مسئول رادیو پیام کانادا، از اهون چیاکو و من (عبدل گلپریان) صورت گرفت، که واکنشهایی را بدنبال داشته است. در زیر ویدئوی این برنامه در صفحه فیسبوک من کامنتهای مملو از عصبانیت و پرخشگری از سوی کسانی که خود را پژاک میدانند در مورد صحبتهای من نوشته شده است. لازم دیدم بجای پاسخ به تک تک این عصبانیت ها که با ادبیات غیر سیاسی برافشته شده اند، ابتدا به این نکات به جواب بدهم و در قسمت بعدی به عملکرد، نقش و اهداف پژاک نیز

خواهم پرداخت ابتدا این را اشاره کنم که گویا عدم اطلاع من از وجود بانلی به اسم "هیوا تاب" به موضوع اصلی هواداران پژاک تبدیل شده است. این مسئله در جریان این گفتگو در رادیو پیام نیز از سوی چیاکو چند بار عنوان شد و گویا مجادله و گفتگوی این برنامه بر سر وجود یا عدم وجود این باند بوده است. تمام تلاش طرفداران پژاک بر سر این قضیه درست بخاطر ایجاد گرد و خاک در چشمان بیننده و شنونده این برنامه برای جلوگیری از نقد پایه ای از ظهور، نقش، عملکرد و اهداف سازمان پژاک براه افتاده است. آنها در مورد کسانی که بدست خود بقتل رسانیده اند وحشت دارند حرفی بزنند. بقول خودشان اگر باند دست سازی همچون "هیوا باب" تا کنون دهها نفر را بقتل رسانیده است، پژاک و نیروهای مسلح آن قادر نیستند به مردم جواب دهند که چرا سامان دانشور را جلو چشمان خواهر و مادرش برگبار گلرله بستند؟ هر چه باشد سامان دانشور مدتی در

از صفحه ۲ آب در خوابگاه مورچگان ...

است اشاره میکنند.

اهداف برنامه ای پژاک

"تعریف سازمان: حزب حیات آزاد کردستان در چارچوب مبانی فلسفی و ایدئولوژیک رهبر آپو و پایبندی به آن بر اساس سیاستی دموکراتیک جامعه را با توجه به نیازها و طلب‌هایش آگاه نموده و سازماندهی می‌نماید. نیروی اساسی توسعه سیاسی - دموکراتیک و فاکتورهای حیاتی دموکراتیک بوده و پیشاهنگ سازماندهی و مدیریت جامعه دموکراتیک است. ساختار حزب دموکراتیک بوده و تمامی اموراتش قابل نظارت توسط خلق می‌باشد."

برای نشان دادن اهداف برنامه ای پژاک، همانگونه که اهداف این برنامه آنرا در "چارچوب مبانی فلسفی و ایدئولوژیک رهبر آپو" بیان کرده است، لازم است ابتدا به چهارچوب مبانی فلسفی و ایدئولوژیک اوجلان و پ ک ک اشاره مختصری داشته باشیم که از کی و چگونه وارد افق و اهداف "حزب کارگران کردستان ترکیه - پ ک ک" شده است. با شکافتن مبانی فکری نظری و فلسفی اوجلان است که میتوان نقش، عملکرد و اهداف پژاک و نسخه‌ای که برای کردستان ایران در آستین دارد را توضیح داد.

قبل از پایان بلوک شرق و در دوران دو قطبی جنگ سرد، احزاب متعددی که خود را سوسیالیست بروایت سرمایه داری دولتی بنام کمونیسم شوروی تعریف میکردند به این بلوک تعلق داشتند. احزاب ناسیونالیست کرد در هر چهار بخش، (ایران، عراق، ترکیه و سوریه) نیز متأثر از خط مشی و نظرات استالین در خصوص "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" بودند. اوجلان یکی از مدافعین سرسخت برای تحقق حق تعیین سرنوشت برای کردستان ترکیه و در قامتی وسیع تر دست یابی به کردستان بزرگ در ظرفیت از هر چهار بخش آن بود. بکارگیری اصطلاحات (باکور بمعنی کردستان ترکیه در شمال، باشور کردستان عراق در جنوب، روژهلات کردستان ایران در شرق و روژاوا کردستان سوریه در غرب)، اساسا بر محور

یک کشور آنهم کردستان بزرگ، از ادبیات ناسیونالیست کرد و مدافعین کردستان بزرگ درآندوران است که در ادبیات پ ک ک و احزاب ناسیونالیست کرد بکار برده میشود.

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی سرمایه داری دولتی در روسیه، تمام معادلات سیاسی و خط و جهت گیری احزاب متعلق به کمپ شوروی سابق دستخوش تغییر قرار گرفت و با بحران و بن بست روبرو شدند. احزاب ناسیونالیست کرد همانند دیگر احزاب محلی در مناطق دیگر جهان، حامی خود یعنی بلوک شرق را از دست میدهند و به اصطلاح با پیروزی سرمایه داری بازار آزاد غرب و شکست سرمایه داری دولتی در شرق، احزاب ناسیونالیست کرد نیز همچون برخی از احزاب بنام کمونیست دموکراسی خواه شدند. بعد از گذشت کمتر از یک دهه از این تحول جهانی، اوجلان بعنوان رهبر بلامنازع پ ک ک دستگیر و به زندان افکنده میشود. او در زندان شروع به مطالعه آثار و کتابهای یک نویسنده آنارشیت آمریکایی بنام "ماری بوکچین" میکند و بتدریج تحت تاثیر مبانی فکری و نظری تئوریک او قرار میگیرد. ایده‌های ماری بوکچین جنبش‌های اجتماعی مختلفی را تحت تاثیر قرار داده است که مورد اخیر آن "گنفدرالیسم دموکراتیک" در افکار اوجلان و پ ک ک و همچنین در کردستان سوریه که در ساختار "کانتونها" شکل گرفته بودند میباشد.

اوجلان در زندان اقدام به نوشتن کتابهایی میکند که متد ناظر و حاکم بر کتابهای او متأثر از همین نظریه پست مدرنیستی و "گنفدرالیسم دموکراتیک" ماری بوکچین است.

از این مقطع است که تحت تاثیر این تحول جهانی، خواست حق تعیین سرنوشت و مسئله استقلال کردستان چه در چهارچوب ترکیه و چه در قامت کردستان بزرگ متشکل از هر چهار بخش کاملاً بکنار نهاده میشود و تز و تئوری "گنفدرالیسم دموکراتیک" به افق و اهداف اوجلان و پ ک ک تبدیل میشود. در همین دوران است که اوجلان از زندان

امرالی نامه‌های صلح و آشتی به دولت ترکیه مینویسد و زمزمه پایان دادن به مبارزه مسلحانه نیز اوج میگیرد. اما تمامی نامه‌ها و پیامهای اوجلان به دولت ترکیه و مقامات درجه اول این حکومت پاسخ منفی میگردند.

"گنفدرالیسم دموکراتیک" اوجلان "گنفدرالیسم دموکراتیک" که در ساختار و اهداف برنامه‌ای پ ک ک، پژاک و شاخه‌های دیگر پ ک ک هم مستتر است را باید قدری شکافت تا به کنه آن پی برد.

"گنفدرالیسم دموکراتیک"، نظریه ای پست مدرنیستی است که قائل به دولت ملت نیست. "بوکچین" این نظریه را در ابعاد ماکروتری برای گذار از مدنیت جامعه سرمایه داری مطرح کرده است و آنرا تحت نام کمونارد برای جوامع مختلف عنوان کرده است که نظراتی آنارشیتیست است و کاری به کار دولت ندارد و اساسا با اتکا به این نظریه مبارزه با دولت یا دولتها از دستور این مکتب فکری حذف شده است. این نظریه به ناسیونالیسم قومی کرد مربوط نیست اما اوجلان از این نظریه استنتاجات محلی میگیرد و به آن رنگ و جلای کردی داده و آنرا کردیزه کرده است. اوجلان با اخذ این نتایج از این نظریه بر آن است که پیراهن گنفدرالیسم دموکراتیک بوکچین را به تن بخشهای کردستان بپوشاند و معتقد است که کردها منشأ تمدن جوامع کمونهای اولیه بوده و از ابتدا جوامع کمونی اولیه را داشته اند و پدیده‌ای به اسم دولت موضوعیت نداشته است.

(اینکه پژاک از بدو پیدایش کاری به مبارزه با دولت و حکومت اسلامی نداشته است دقیقاً متکی بر این تز و تئوری است که بعداً به آن خواهیم رسید) اما صورت اصلی مسئله این نیست که گویا با این تغییر در افکار و ایده‌های اوجلان و تحت تاثیر نظرات یک نویسنده آنارشیت این دگرگونی صورت گرفته باشد. تغییر پایه‌ای و ریشه‌ای را باید در تحولات سیاسی اواخر قرن بیست جستجو کرد که با پایان گرفتن افق، اهداف، اشکال و روش مبارزه در میان احزاب و نیروهای سیاسی در کردستان، سنتهای مبارزاتی اواسط دهه قرن بیست دیگر پاسخگوی حل هیچ مسئله‌ای

بعد از گذشت دو دهه از قرن بیست و یک نیست. بنابراین شرایط و موقعیت تاریخی و زمانی، عامل اصلی در ایجاد بن بست، بحران در افق، اهداف و سیاست احزاب ناسیونالیست کرد تعیین کننده است نه تغییر ریل فکری اوجلان و با قورت دادن نظریه آنارشیتیستی "گنفدرالیسم دموکراتیک" ماری بوکچین برای هر یک از بخشهای کردستان.

اهداف اساسی "گنفدرالیسم دموکراتیک" پژاک

این نظریه که در اهداف برنامه ای پژاک هم قید شده است قائل به این است فدرالیسم های محلی مرکب از هر گونه اعتقاد مذهبی، ملی، باورها، سنن و آداب و رسوم هر قومی را میتوان از پایین در میان مردم منتسب به این باورها در یک ساختار بنام "گنفدرالیسم دموکراتیک" به اجرا درآورد.

بر اساس این نظریه که اوجلان آنرا از بوکچین هضم کرده است، پژاک هم آنرا بعنوان نسخه ای در اهداف برنامه ای اش پیچیده و در قبال دولت میگوید: "محدود نمودن و متحول ساختن نقش و اختیارات نظام جمهوری اسلامی ایران و دموکراتیزه کردن آن در چارچوب چهار رفرم بنیادین در دولت، ملت، جامعه و شهروند و رساندن دولت به سطح نهادی مدیریتی که جوابگوی خدمات همگانی و حفظ امنیت عمومی جامعه بوده و مظهر اتوریته عامه باشد."

بر اساس این نظریه و اهداف، پژاک کاری به تغییر یا مبارزه با جمهوری اسلامی ندارد بلکه میخواهد نقش و اختیارات همین نظام اسلامی حاکم بر ایران را بقول خود محدود و متحول سازد.

تلاش پژاک در جریان انتخابات های حکومت اسلامی، تبلیغ برای شرکت در آنها و نهایتاً کشاندن مهره هایی به موقعیتها و پستهای در نهادهای رژیم اسلامی، درست با اتکا به همین "اهداف اساسی" در دستور کار پژاک قرار میگیرد که چیزی شبیه به "د پ" در ترکیه را در رابطه با کردستان ایران سرهم بندی بکنند. این یعنی همان تز، "محدود نمودن و متحول ساختن نقش و اختیارات نظام جمهوری اسلامی" که در اهداف برنامه ای اش قید شده

است. این نظریه نه در جامعه ای همچون کردستان ایران بلکه حتی برای شرایط و موقعیت و آینده تحولات سیاسی در کردستان ترکیه هم بی معنی است. بر اساس همین تئوری و نظریه است که نزدیک به دو دهه اخیر پ ک ک در مبارزه اش کاری برای از میان برداشتن دولت ترکیه در دستور نداشته است. با بمیدان آمدن این نظرات و این مبانی فکری برنامه ای، سالهاست که مسئله "حق تعیین سرنوشت" و تاسیس "کردستان بزرگ" دود شده و به هوا رفته است.

تغییرات سیاسی در شرایط و تحولات بعد از فروپاشی بلوک شرق تنها پ ک ک را برای از دستور خارج ساختن "حق تعیین سرنوشت و استقلال ناگزیر نکرد بلکه احزاب سنتی تر در کردستان ایران نیز آنرا بایگانی کردند و پروژه بند و بست با جمهوری اسلامی آخرین مورد از تلاش احزاب ناسیونالیست کرد بود که چیزی عایدشان نشد.

راه حل مسئله کرد نیز در اهداف برنامه ای پژاک اینگونه فرموله شده است: "حل مسئله کرد در چارچوب گنفدرالیسم دموکراتیک خلق کرد بدون تغییر در مرزهای رسمی موجود" عنوان شده است.

ترجمان حل مسئله کرد برای پ ک ک و پژاک در کردستان ایران این است که اگر در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی بفرض مردم کردستان در یک رفراندوم همگانی بخواهند رای به جدا شدن بدهند، پژاک این حق را به مردم نخواهد داد چرا که حل مسئله کرد را بدون دست بردن برای تغییرات مرزی با زور اسلحه به مردم تحمیل خواهد کرد.

از این رو است که اوجلان و پ ک ک معتقد به این هستند که بدون دست بردن برای قدرت سیاسی میشود کمونهای مرکب از مردم هر منطقه و با ملقمه ای از آیین، قومیت، و غیره را در یک کاسه و از پایین سازمان داد و به این شکل "گنفدرالیسم دموکراتیک" را با بر سرکار بودن حکومت اسلامی متحقق کرد.

پ ک ک و پژاک پا را از این فراتر گذاشته و میخواهند ایده و نظریه "گنفدرالیسم دموکراتیک" یا همان پست مدرنیسم را حتی در منطقه

فراخوان بازنشستگان برای تجمع در مقابل تأمین اجتماعی

حقوق‌بایست. وقتی جامعه با ارقام نجومی حقوق‌های مقامات و مسئولین حکومتی روبرو میشود، خشم و انزجار مردم شدت بیشتری می‌یابد. یک نمونه آن خبر اولین حقوق پرداختی به نمایندگان مجلس اسلامی در این ماه است.

بنا بر این خبر که در میدیای اجتماعی به بحث داغی تبدیل شده در این ماه ۱۱ میلیون تومان بابت "نماینده‌گی" به حسابهای آنها واریز شده است و به علاوه ۲۰۰ میلیون تومان بابت مسکن و ۲۰ میلیون تومان هم برای سایر هزینه‌هایشان که جمعا ۲۳۱ میلیون تومان یک جا به نمایندگانی که جز مفت‌خوری کاری ندارند پرداخت میشود. این خبر بر خشم و اعتراض مردمی که شاهد پرداخت نکردن دستمزد زیر خط فقر کارگر و یا بازنشسته هستند بیش از پیش دامن زده است.

تازه اینها نمونه‌های کوچکی از دزدیها و ثروتهای نجومی مفت‌خوران حاکم است. در چنین فضایی از اعتراض، بازنشستگان تأمین اجتماعی در تدارک تجمع روز ۲۵ تیر هستند. از خواسته‌ها و اعتراض بازنشستگان باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی
اعتصامات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ تیر ۱۳۹۹
۶ ژوئیه ۲۰۲۰

روز کمتر می‌گردد و مردم فقیر تر و بی تأمین تر میشوند. این وضعیت خشم و اعتراض بازنشستگان و کل جامعه را برانگیخته است. با این سطح از حقوق بازنشستگان به هیچوجه توان تأمین نیازهای اولیه خود را ندارند. در اعتراض به این وضعیت است که علیرغم شیوع موج دوم بیماری مرگبار کرونا و علیرغم اینکه بازنشستگان بیش از دیگر اقشار در خطر ابتلا به این بیماری هستند، آنها در تدارک برگزاری تجمع برای روز ۲۵ تیر در مقابل سازمان تأمین اجتماعی هستند.

بازنشستگان در تجمعاتشان بارها با شعارهایی چون خط فقر ۹ میلیون حقوق ما دو میلیون، درمان کارآمد، درمان رایگان است، تحصیل رایگان برای همه کودکان، همدان سازی حقوقها اجرا باید گردد، نه به تبعیض، معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، صدای اعتراضشان را بلند کرده و خواسته‌های کل جامعه را علیه فقر و تبعیض و نابرابری و چپاول و دزدی نمایندگی کرده‌اند. بویژه یک موضوع دائم اعتراض بازنشستگان اعتراض به تبعیض‌ها و نابرابریها در ثروتها و



از صفحه ۳ آب در خوابگاه ...

موخره

در این نباید کمترین تردیدی داشت که اهداف، افق و آرمانهای کمونیستی، برابری طلبانه و انسانی مردم در کردستان ایران پیشینه‌ای ریشه دارد. پیشینه‌ای که بسیار فراتر از تاریخ موجودیت پ ک ک است. چپ اجتماعی در جامعه کردستان قوی تر از آنست که با تز و تئوری قوم و قبیله و مذهب که در کمتر از دو دهه گذشته بنام پژاک و بعنوان لنگرگاه حکومت اسلامی پا

خاورمیانه رواج دهند. اهدافی که بر اساس آن، جدولهایی از قوم، قبیله، مذهب، فرهنگ و غیره را در کنار هم باید چید. این اهداف بشدت ارتجاعی، تلاشی است برای بازگرداندن نه تنها انسانیت به عقب بلکه بازگرداندن مدنیت به دوران قوم و قبیله، طایفه و عشیره گرایی.

شعری برای منصور حکمت آذر پویا



میپرسی چرا دست را محکم گرفته‌ام
برای آنکه تا ابد بمانی
دست را محکم گرفته‌ام
که تا آخر راه بیایی
راه خانه‌ای را که هر شب خوابش را میبینم
تو نشانم دادی
خانه‌ای که دیوارهایش شیشه‌ایست
نه درهایش قفل
و نه آسیاب بازیهایش صاحبی
اری راه این خانه را تو نشانم دادی
و اکنون باید تا آخر راه بیایی
اگر تو راه گشا نبودی

بر سر دوراهی اصلاحات کدامین راه میرفتم
با دوستانم در آمریکا و افغانستان و فلسطین و ایران چه میگفتم
دشمنانم را با کدامین سلاح از میدان بدر میکردم
با خواهرم که برای لقمه‌ای نان تنش را میفروخت
چه رفتاری؟
و جواب دخترم را که با چنین ناخواسته‌اش چه کند
چه پاسخی؟
دستم را محکم بگیر
تا از کوره راههای این خرابه تاریک بگذریم
و بذر خوشبختی را
در باغچه خانه‌ای که هر شب خوابش را میبینم بکاریم

جولای ۲۰۰۲
آذر پویا

بدوران گذاشته است، بتوان آنرا عقب زد. چپ و کمونیسم در کردستان با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای رادیکال، برابری طلب و انسانی در سراسر ایران خود را معنی میکند. پروژه پژاک - پ ک ک ممکن است برای این جنبش عظیم اجتماعی مزاحمت ایجاد کند اما با بزیر کشیده شدن حکومت اسلامی از طریق انقلاب مردم، پروژه پ ک ک در قامت پژاک هم تاریخ مصرفش پایان میرسد.

۱۴ تیر ۱۳۹۹
۴ ژوئیه ۲۰۲۰

بیماری کرونا در سراسر کشور در حال اوجگیری است حکومت همچنان دروغ میگوید



وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تعداد مرگ بر اثر کرونا را ۱۱ هزار و ۹۳۱ نفر اعلام کرده و گفته است که بیش از نیمی از کشور یعنی استانهای خوزستان، هرمزگان، بوشهر، کرمانشاه، کردستان، ایلام، آذربایجان های غربی و شرقی و خراسان رضوی در وضعیت قرمز و استانهای تهران، اصفهان، مازندران، گلستان، البرز، کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان، همدان، زنجان و اردبیل در وضعیت هشدار قرار دارند. به گفته مقامات حکومت، کرونا بار دیگر در کشور اوج گرفته و در یک روز گذشته ۲۰۰ نفر جان باخته اند. تنها در تهران در یک روز گذشته طبق آمار حکومتیان ۷۰ نفر بر اثر ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده اند. طبق گزارشات پراکنده ارگانهای حکومتی هزاران کادر درمانی به کرونا مبتلا شده اند و تعداد قابل توجهی جانشان را از دست داده اند. طبق آمار مراکز پزشکی فقط در هرمزگان حداقل ۹۳۴ نفر و در فارس ۴۰۰ نفر از کادر درمانی به کرونا مبتلا شده اند.

اما مقامات متعددی از حکومت در ماههای گذشته اعتراف کرده اند که این آمار واقعی نیست و تعداد مرگ و میر چندین برابر بیشتر از آمار دروغ حکومت است. محمدعلی محسنی‌بندی نماینده مجلس حکومت اخیراً گفته است: "آمار وزارت بهداشت پایین‌تر از تعداد واقعی قربانیان است. ما در برخی از روزها ۳۰۰ کشته نیز از کرونا داشتیم. اگر می‌بینید آمارهای اعلام شده پایین‌تر از تعداد واقعی است به خاطر این است که کسانی که در منزل و یا در مسیر انتقال به بیمارستان فوت شدند در این

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن



یدی محمودی

اخبار مبتلایان به کرونا نه تنها پایانی ندارد، بلکه مقامات ریز و درشت حکومت بجای مسوولیت پذیری، بجای تامین زندگی مردم، بجای گفتن حقایق شیوع کرونا به مردم و بجای تامین لوازم بهداشتی و ضد عفونی کامل برای صف مقدم مبارزه با کرونا، یعنی پزشکان، پرستاران و پرسنل بیمارستانها و مردم کارکنی که بدون کار و تلاش آنها چرخ اجتماع نخواهد چرخید، باز هم بی شرمانه مردم را مقصر گسترش کرونا معرفی می کنند.

حکومت اسلامی روز ۲۵ فروردین و بعد از یک دوره کوتاه دستور بازگشائی بسیاری از اماکن عمومی را صادر کرد و بعد از آن است که دور دوم کرونا بسیار مرگبارتر از قبل گسترش یافت و اکنون می بینیم که حتی آمار خود حکومت دروغ و ریای اسلامی هم گزارش روزانه هزاران مبتلا و صدها نفر از جانب‌اختگان این ویروس کشنده حکایت دارد و تنها در طول ۲۴ ساعت آمار مبتلایان کشور در روز ۱۵ تیرماه ۲۵۶۲ نفر و جانب‌اختگان ۱۶۳ نفر اعلام می شود.

بسیاری از استانهای ایران و از جمله استان کردستان هنوز جزو استانهای قرمز محسوب می شوند، در کردستان روز ۱۴ تیرماه معاون سیاسی امنیتی حکومت اسلامی

اعلام می کند که: "استفاده تمام کارکنان ادارات از ماسک در دستگاه های اجرائی اجباریست و کارمندانی که ماسک نزنند اجازه حضور در محل کار را پیدا نخواهند کرد". معاول بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کردستان هم روز ۱۴ تیرماه اعلام می کند که:

"احتمال موج های بعدی کووید ۱۹ هر ۶ تا ۸ هفته در استان در صورت بی توجهی به رعایت فاصله فیزیکی و استفاده از ماسک پیش بینی می شود". متأسفانه کرونا نه تنها در شهرها زندگی مردم را فلج کرده، بلکه اکنون روستاهای زیادی در نبود کمترین امکانات بهداشتی و رفاهی با این ویروس مقابله می کنند. ما در هفته های گذشته خبر مبتلا شدن تعدادی از زندانیان زندانهای سقز، سنندج و ارومیه را منتشر کرده بودیم و اکنون خبر می رسد که تنها در زندان ارومیه بیش از ۱۰۰ نفر از زندانیان به کرونا مبتلا شده اند. اقدامات مقامات جنایتکار حکومت اسلامی در این روزهای سخت کرونا برای ادارات دولتی گرچه شاید ظاهراً میخواهند نشان دهند که "قدم مثبت" به جلوه بر میدارند، اما این ظاهرسازیها بهیچ وجه پاسخگو نیست و بویژه اگر آماری هم باشد، در کردستان و بسیاری دیگر از استانهای ایران تنها

بخش بسیار کمی از مردم در ادارات دولتی مشغول بکارند و دهها میلیون نفر دیگر در بخشهای، بازار، حمل و نقل، ساختمانی، کشاورزی و... مشغول بکارند، بدون اینکه کمترین امکاناتی برای رعایت مقررات بهداشتی جلوگیری از کرونا وجود داشته باشد. به لیست بالا باید صف صدها هزار نفره کارگران شاغل و بیکاری را اضافه کرده که ماهها است مجبورند در مقابل نان و کرونا، نان را انتخاب کنند و خود را در معرض مبتلا به این بیماری مهلک قرار بدهند. به همین خاطر مردم به ستوه آمده از این حکومت دزد و فاسد بخوبی می دانند که بدون تامین زندگی مردم صحبت از پیشگیری و راههای مقابله با کرونا از جانب حکومت تنها بازی با زندگی میلیونها نفری است که هم اکنون بدلیل شیوع کرونا همان نان بخور و نمیرشان را هم از دست داده اند. آخرین آمارهای منتشر شده در مورد کرونا تا روز دو شنبه ۱۶ تیرماه به قرار زیر است.

سنندج ۲۳۴۵ نفر مبتلا، سقز ۱۲۴۰ نفر، مریوان ۱۲۱۰ نفر، دیواندره ۷۸۴ نفر، قروه ۷۸۳ نفر، بانه ۷۷۱ نفر، کامیاران ۶۵۲ نفر، بیجار ۵۵۳ نفر، دهگلان ۴۶۶ نفر و سروآباد ۲۵۰ نفر مبتلا.

Yadi.mahmodi@gmail.com
Telegram: @YadiNar

**برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونا
جمهوری اسلامی رهایی یافت!**
**سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

KANAL JADID
کانال جدید

تماس با کانال جدید
وبسایت: www.newchannel.tv
ایمیل: kanaljadid1@gmail.com
فیسبوک: facebook.com/kanaljadidtv
اینستگرام: instagram.com/kanaljadidtv
یوتیوب: Kanal Jadid Tv
تلفن تماس: ۰۰۲۲۷۷۸۹۸۸۷۱۲۴
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یاه ست
فرکانس: ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای س: ۷/۸

تلویزیون کانال جدید
را به دوستان و آشنایان معرفی کنید!

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



آتنا دائمی باید فورا و بدون قید و شرط آزاد شود



آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام از بابت پرونده‌ای که در دوران حبس علیه او گشوده شده توسط شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب تهران به حکم وحشیانه ۲ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. دادگاه آتنا در روز یکشنبه ۸ تیرماه در شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب برگزار شد.

در بخشی از نامه کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی آمده است:

پرونده جدید با شکایت وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه برای او باز شده است و بنا به خبر منتشر شده از سوی مصطفی نیلی وکیل مدافع آتنا، او هم اکنون یک سال حبس با اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به علت انتشار نامهای با موضوع اعدام کودکان" و

یک سال حبس به همراه ۷۴ ضربه شلاق با اتهام "اخلال در نظم عمومی زندان و برگزاری جشن در ایام عزاداری" محکوم شده است. نفس همین اتهامات سند محکومیت کل حکومت اسلامی و دستگاه قضائی ضد بشری آنست.

امروز بیش از هر وقت صدای زندانیان سیاسی و چهره‌هایی چون آتنا دائمی جهانی شده است. در عکس العمل به این اعتراضات سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه شدیدالحنی نسبت به شرایط نامناسب آتنا و دیگر زندانیان سیاسی در زندان ابراز نگرانی کرده و خواستار آزادی فوری آتنا و همه زندانیان سیاسی شده است. همچنین پیر آنتونیو پائزی، رئیس کمیته حقوق بشر پارلمان اروپا، اذیت و آزار آتنا در زندان و رفتارهای غیر انسانی با وی را محکوم کرده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همه کارگران و مردم آزادیخواه، و تمام سازمانهای مدافع حقوق انسانی را به اعتراض به اذیت و آزار آتنا دائمی و احکام ظالمانه علیه او و فشار بر معلمان و کارگران زندانی فرا میخواند. خشم و انزجار خود را نسبت به این اقدامات ابراز کنید. به حکومت اسلامی با صدای رسا اعتراض کنید. کمپین

برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۳ تیر ۹۹ جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سپیده قلیان برگزار شد



جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سپیده قلیان، فعال سیاسی، محبوس در زندان اوین روز دوشنبه ۱۶ تیر ۹۹ در شعبه ۱۰۱ کیفری ۲ دزفول برگزار شد. این جلسه دادگاه درخصوص حضور وی در اعتراضات آبان ماه در دزفول بود. وی در تاریخ ۲۵ آبان ۹۸ در منزل در دزفول بازداشت و در تاریخ ۱۲ آذر ۹۸ با تدوین قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی تا پایان مراحل دادرسی آزاد شد.

اتهام مطروحه علیه سپیده قلیان در این جلسه دادگاه که با حضور جمال الدین حیدری، وکیل مدافع وی برگزار شد، "اخلال در نظم عمومی بصورت غیر گسترده" عنوان شده است.

بیشتر سپیده قلیان در تجمعات اعتراضی نسبت به سهمیه‌بندی و افزایش قیمت بنزین در دزفول در میان معترضان حضور داشته و سخنرانی کرده بود. پس از بازگشت به خانه، چهار ماشین نیروهای امنیتی به منزل وی رفته و با ضرب و شتم او را بازداشت کردند. سپیده قلیان آذرماه ۹۸ توسط دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم

شد. وی نهایتاً روز یکشنبه ۱ تیرماه ۹۹ پس از حضور در واحد اجرای احکام دادرسی اوین بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت خود به زندان اوین منتقل شد.

سهیلا حجاب به ویروس کرونا مبتلا شده



سهیلا حجاب زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک ورامین به ویروس کرونا مبتلا شده است.

سهیلا حجاب، وکیل دادگستری و از فعالین مدنی کرمانشاه که دوران محکومیت پنج ساله خود را در زندان قرچک ورامین سپری می‌کند، به ویروس کرونا مبتلا شده و طی هفته گذشته تنها یک بار و آن هم برای مدت کوتاهی به بهداری زندان منتقل شده است.



انتقال سکینه پروانه زندانی

سیاسی به بند زنان زندان اوین
روز یکشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹ سکینه پروانه زندانی سیاسی از بند ۳ زندان قرچک ورامین به بند زنان زندان اوین منتقل شد. انتقال این زندانی سیاسی در حالی صورت گرفته که آثار ضرب و جرح بر صورت و بدن این زندانی سیاسی در اعتصاب غذا مشهود است. سکینه پروانه از تاریخ ۶ خرداد ماه سالجاری در اعتراض به حکم ۵ سال حبس تعزیری و ۲ سال محرومیت از عضویت در احزاب و گروهها صادره توسط دادگاه انقلاب تهران بر علیه وی اعلام اعتصاب غذا کرد. در تاریخ ۱۰ تیر ماه این زندانی سیاسی بر اثر وخامت حال ناشی از اعتصاب غذا به بهداری زندان قرچک منتقل شده بود.

احضار و انتقال پریسا رفیعی به زندان اوین



پریسا رفیعی دانش آموخته عکاسی دانشگاه تهران برای اجرای حکم یکساله خود مربوط به پرونده فعالان صنفی دانشجویی سال ۹۶ به دادرسی اوین احضار و به بند نسوان منتقل شد.

از صفحه ۵ بیماری کرونا در سراسر کشور...

پزشکان بی‌مرز، فروش کمک‌های خارجی در بازار آزاد، عدم تعطیل مراکز تولیدی، ندادن هیچ نوع کمکی به مردم بی‌درآمد، عدم پرداخت کمک هزینه مسکن به مردم که باعث شد بسیاری از مردم به چادر خوابی و زندگی در پشت بام بدون کوچکترین امکانات بهداشتی پناه ببرند، حتی عدم تامین آب آشامیدنی برای صدها هزار نفر از مردم در نقاط مختلف کشور، عدم تامین ساده‌ترین امکانات پیشگیری از جمله برای کارگران شهرداری و دهها اقدام ضد انسانی

دیگر سیاست حکومت در این دوره بوده است. آنوقت مقامات با وقاحت و بیشرمی مردم را سرزنش میکنند و آنها را مقصر گسترش بیماری جلوه میدهند. مردمی که برای نقد کردن همان حقوق چندرغاز مجبورند هر روز تجمع کنند و خود را به خطر بیندازند. علیه نپرداختن حق بیمه توسط کارفرماها اعتراض کنند که باعث شده حتی استفاده از بیمه درمانی هم برایشان عملی نباشد. حکومت همان سیاست جنایتکارانه ای را ادامه میدهد که از اول اعلام کردند یعنی ابتلای گله‌ای به کرونا و

مرگ یکی دو میلیون انسان. این وضعیت حتی سر و صدای تعدادی از مقامات بیمارستان‌ها را نیز درآورده که هشدار میدهند کادر درمانی فرسوده است و سیستم خدمات درمانی در حال در هم شکستن است.

ما بارها گفته‌ایم که حکومت همدست کرونا است و سیاست‌های اخیرش نیز بیش از پیش همین را آشکار میکند. راه مقابله با سیاست‌های ضد مردمی حکومت نیز گسترش اعتراضات و اعتصابات است. گسترش اعتراضات سی میلیون مردم گرسنه علیه حکومتی است که همچنان مشغول دزدی و سرکوب و

به کام مرگ فرستادن مردم است. کرونا نه فقط دارد وسیعاً قربانی میگیرد و هزاران نفر را به کام مرگ میکشد، بلکه زندگی زندگان را نیز دچار نا امنی و بی‌تامینیتی و مشکلات غیر قابل توصیفی کرده است. بسیاری از افراد روزنه‌های تنگ تامین معاش فقیرانه‌شان را هم از دست داده‌اند. اولین و مهمترین کاری که در برابر کرونا باید کرد این است که با صدای رسا اعلام کنیم که حکومت موظف است نه فقط امکانات درمانی کافی در اختیار همه قرار دهد، بلکه باید زندگی همه شهروندان را تامین کند. خواست حقوق پایه و تامین

معیشت مردم، درمان رایگان، تخصیص بودجه و تخصیص تجهیزات لازم به بیمارستان‌ها و کادر درمانی، استخدام صدها هزار پرستار و کادر درمانی و گسترش امکانات درمانی، آزادی زندانیان سیاسی و صدها هزار زندانی دیگر، تعطیل مراکز تولیدی که در شرایط کنونی حیاتی نیستند، تعطیل پادگانها و سایر خواست‌هایمان را باید همه جا فریاد بزنیم و جنبشی حول همه خواست‌هایمان به راه اندازیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ تیر ۱۳۹۹
۷ جولای ۲۰۲۰

اطلاعیه های حزب

هفت تپه: شماره ۲۷
کارگران هفت تپه در بیست و دومین
روز اعتصاب: خواستهایمان را میگیریم!

روز ۱۶ تیر تعداد بسیاری از کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه اعتصاب قدرتمند خود در مقابل درب فرمانداری تجمع کرده و با کف زدن و شعار دهی به سوی بازار شوش راهپیمایی کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهایی چون "استاندار جرنکی نمیخواهیم، نمیخواهیم"، "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم" خشم و انزجار خود را به دزدی ها و اختلاس ها در هفت تپه و همستری مقامات دولتی با این چپاولگری ها اعلام داشتند. در تجمع این روز کارگران در سخنرانی هایشان از اینکه چپاولگران به جان زمین های کشت هفت تپه افتاده و زمین های آنرا دارند به اجاره میدهند سخن گفته و یکصدا فریاد زدند که با چنگ و دندان هفت تپه را نگاه خواهند داشت و بر اتحاد و همبستگی خود تاکید کردند.

بیش از ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه از ۲۶ خرداد در اعتصاب بسر میبرند و از آغاز سال جاری دستمزد خود را نگرفته و بدلیل پرداخت نشدن حق بیمه شان با مشکل تمدید دفترچه های بیمه خود و استفاده از همان حداقل امکانات درمانی روبرو هستند. این قلدری و زورگویی مدیران شرکت عصلا با چراغ سبز مسئولین حکومتی همراه است. علیرغم بیست و دو روز اعتصاب تا کنون فقط دستمزد فروردین ماه بخش کوچکی از کارگران پرداخت شده است. باندهای حکومت و مدیریت تلاش میکنند در صفوف کارگران نفقه ایجاد کنند اما کارگران متحدانه به مبارزه خود ادامه میدهند.

فریاد کارگران نیشکر هفت تپه از گرسنگی و فقر و این بساط چپاول و دزدی بلند است و میگویند تا خلع ید از بخش خصوصی و بساط دزدی هایشان و دادگاهی کردن تمامی مسئولین همداستد بیگی و رستی و باند مافیایی هفت تپه به اعتصاب و مبارزه و اعتراض خود ادامه خواهند داد. يك تاييد اين كارگران بر بازگشت به كار اسماعيل بخشي، محمد خنفر، ايمان اخصري و سالار بیژنی است.

۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه با اتكاء به مجمع عمومی و تصمیم گیریهای جمعی و شورایی متحد و یکپارچه برای خواستههایشان مبارزه میکنند و الگوی خوبی برای کل جنبش کارگری و جامعه هستند. از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۱۳۹۹، ۶ ژوئیه ۲۰۲۰

هفت تپه: شماره ۲۶:

کارگران هفت تپه

در روز بیست و یکم اعتصاب

روز ۱۵ تیر تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه همچون روزهای قبل ابتدا در مقابل درب فرمانداری تجمع کردند و بعد بصورت راهپیمایی در داخل شهر شوش دست به راهپیمایی زدند. علیرغم اینکه خبرها حاکی از اینست که چند نفر از این کارگران به بیماری کرونا مبتلا شده و هم اکنون در منازل خود در قرنطینه بسر میبرند، کارگران بخاطر اینکه از آغاز سال دستمزدی نگرفته اند و دفترچه های بیمه شان تمدید نشده و با چوب حراج زدن به زمین های هفت تپه شغل و معیشت خود را در خطر می بینند، متحد و مصمم به اعتراضات و راهپیمایی و اعتصاب خود ادامه میدهند. امروز نیز کارگران با سخنرانی و شعار دادن تاکید کردند که تا خواستههایشان عملی نشود دست از اعتصاب بر نخواهند داشت. کارگران در سخنان خود اعتراضشان را به شکاف عظیم طبقاتی و ثروتهای نجومی و دستمزدهای زیر خط فقر اعلام کردند. کارگران میگویند هفت تپه مال ماست و باید به کارگران برگردد.

حکومت اسلامی و مدیران باید بدانند که کارگران هفت تپه تنها نیستند و مورد توجه و حمایت همه بخشهای کارگری و مردم هستند. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار جمع شدن بساط چپاول بخش خصوصی از شرکت، بازگشت پولهای به سرقت رفته و پرداخت طلبهای کارگران، بازگشت به کار همکاران اخراجی و محاکمه اسدبیگی و رستمی و باند مافیایی آنها هستند. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به فقر، گرانی، تبعیضها و بساط چپاولگری حاکم است و این صدای اعتراض همه کارگران است که امروز در هفته با پرچم شوراها چنین رسا در خیابانهای شوش طنین انداخته است.

بیش از بیست روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه توجه ها وسیعی را بخود جلب کرده است. اخبار آن هر روزه در گروههای مختلف تلگرامی کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف کارگری همراه با حمایت و همبستگی پخش میشود. در همین راستا حمایت کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان طی بیانیه ای در چهاردهم تیرماه تحت عنوان "بگذار همه دنیا بدانند که طبقه کارگر ایران اعتصاب و حق طلبی هفت تپه را تنها نمیگذارد"، حمایت خود را از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کردند. قبلا نیز در ۱۲ تیر بازاریان شوش پیام همراهی و همبستگی به کارگران نیشکر هفت تپه دادند و بخشهای دیگری از مردم هم از کارگران اعلام حمایت کردند. همینطور ۴ گروه از تشکلهای و فعالین کارگری و دفاع از حقوق کودکان کار به اسامی انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، گروهی از فعالین کارگری سقز و گروهی از فعالین حقوق کودکان در ۱ تیر طی بیانیه ای از مبارزات و خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کردند. این همبستگی ها را باید گسترش داد و حرکت کارگران نیشکر هفت تپه را در مقابل حکومت و مدیران مفتخور تقویت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ تیر ۱۳۹۹، ۵ ژوئیه ۲۰۲۰

هفت تپه: شماره ۲۵

ابتلای یوسف بهمنی و جمع دیگری از
کارگران نیشکر هفت تپه به کرونا

بنا بر خبرهای منتشر شده یوسف بهمنی از کارگران معترض نیشکر هفت تپه به کرونا مبتلا شده و حال مساعدی ندارد. علاوه بر او جمع دیگری از کارگران هفت تپه نیز به این بیماری مبتلا شده و در قرنطینه خانگی بسر میبرند. این نتیجه سیاست رژیم اسلامی در رها کردن کل جامعه و بویژه کارگران در معرض بیماری مهلک کروناست. جانان حاکم میدانند که پاندمی کرونا دارد بیداد میکند. اما آمار دروغ میدهند، از قرنطینه محیطهای عمومی خودداری میکنند، از سرمایه گذاری روی تست گسترده و درمان خودداری میکنند، و مردم را بدون هیچگونه تاملی به کام بیماری مرگبار کرونا رها کرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه از آغاز سال جاری مزدی نگرفته اند. حتی حق بیمه آنها پرداخت نشده است و در نتیجه امکان تمدید دفترچه های درمانی و استفاده از همان امکانات نازل و حداقلی درمان را هم ندارند. از همین روست که بیست روز است در اعتراض هستند و جانشان را کف دستشان گرفته و ناگزیرند هر روزه اجتماع کنند و راهپیمایی کنند تا جانان اسلامی را وادار به پرداخت حق و حقوقشان کنند.

باید دستمزد معوقه کارگران نیشکر هفت تپه فوراً پرداخت شود و دفترچه های بیمه شان تمدید گردد. باید این کارگران و همه مردم از درمان رایگان برخوردار شود. باید امکانات تست و پیشگیری از بیماری مهلک کرونا در هفته تپه و در همه جا فراهم شود. باید به همه مردم بی درآمد کم در آمد حقوق پایه پرداخت شود که بتوانند گذران زندگی کنند. جمهوری اسلامی مسئول حفظ جان یوسف بهمنی و دیگر کارگران هفت تپه است. این حکومت در کنار کرونا ایستاده و دارد از مردم قربانی میگیرد. باید بساط این حکومت دزد و مافیایی را جمع کرد. برای یوسف بهمنی و دیگر کارگران آسیب دیده از کرونا آرزوی بهبود کامل داریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

۱۴ تیر ۱۳۹۹، ۴ ژوئیه ۲۰۲۰

هفت تپه: شماره ۲۲:

راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه
در خیابانهای مرکزی شوش

روز چهاردهم تیر کارگران نیشکر هفت تپه همچون روزهای دیگر ابتدا مجمع عمومی خود را در مقابل فرمانداری شوش بر پا کردند و بعد با

کف زدن و شعار دادن در خیابان های مرکزی شهر راهپیمایی کرده و مردم را به حمایت از اعتراض خود فرا میخواندند. خواست فوری این کارگران پرداخت حقوقهای معوقه که از آغاز سال جاری پرداخت نشده و تمدید دفترچه های بیمه شان است. نپرداختن دستمزدها آنهم در شرایط هزینه های بالای زندگی و گرانی روز افزون و از جمله افزایش سرسام آور مسکن فشار سنگینی بر کرده کارگران وارد کرده است. کارگران با خشم و اعتراض دارند از گرسنگی و از اینکه این کشور بر روی دریایی از نفت و ثروت قرار دارد سخن میگویند و حق و حقوقشان را میخواهند.

در قبال این خواست مدیریت با پرداخت حقوق فروردین ماه بخشی از کارگران، ادعای پرداخت مزد به همه کارگران را کرده است. رژیم میکوشد با این طریق هم بخشی از کارگران را از صف اعتصاب جدا کند و در میان آنها شکاف ایجاد کند و هم از حمایت های مردمی از کارگران نیشکر هفت تپه بکاهد. از جمله روز پنجشنبه ۱۲ تیر تنها حقوق فروردین ۴۰۰ نفر از کارگران قراردادی شاغل در بخشهای کشاورزی، حراست و کارخانه واریز شده است و با پرداخت حقوق به تعدادی دیگر در مجموع به ۱۵۰۰ نفر حقوق داده شده است. این درحالیست که این مجتمع کارگری با احتساب کارکنان فصلی نزدیک به ۶ هزار شاغل دارد که به اکثر آنها مزدی پرداخت نشده است. قبل از این هم حکومت تلاش کرد با بسته حمایتی خیریه ای، آنهم بصورت کوپن، کمی فضای اعتراض را تخفیف دهد، که کارگران با خشم و نفرت مقابلشان ایستادند و گفتند ما صدقه نمیخواهیم، ما حق و حقوقمان را میخواهیم. اما همین پرداختها نیز گامهایی از عقب نشینی جبهه مدیریت و حکومت در برابر کارگرانی است که با اتحاد و عزم میجنگند و کوتاه نمی آیند.

بعلاوه کارگران هفت تپه خواستههای دیگری هم دارند و آنها بارها اعلام کرده اند که مساله آنان فقط حقوق نیست. این کارگران خواستار خلع ید از بخش خصوصی و پایان دادن به دزدی ها و چپاول ها، متوقف کردن اقدام به حراج زمینهای هفت تپه و به تعطیلی کشیدن کارشان، بازگشت پول های دزدی شده به کارگران و تامین امنیت شغلی شان، بازگشت به کار همکاران اخراجی از جمله اسماعیل بخشی، و محاکمه اسد بیگی و رستمی و باند مافیایی آن ها هستند. کارگران این مطالبات را بر روی بنری که بر سنگر آنها نصب است و در راهپیمایی هایشان بدست میگیرند نوشته اند. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه به فقر، بی تاملی، و اختلاس ها موضوعات مشترک اعتراضی همه بخش های کارگری است. نیشکر هفت تپه انعکاس صدای اعتراض کل جنبش کارگری و همه مردم است. از این مبارزات باید وسیعا حمایت کرد. کارگران نیشکر هفت تپه با اتكاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری شورایی بیست روز است که اعتصابی قدرتمند را به جلو میبرند. این را باید الگوی مبارزه در همه جا قرار داد و بسوی اعتصابات و اعتراضات گسترده و قدرتمند سراسری علیه حکومت و سرمایه داران مفتخور و چپاولگر قرار داد. این بساط دزدی و مفتخوری و قلدری را با مبارزه متحدانه میتوانیم در هم پیچیم.

از صفحه ۷ اطلاعیه های ...

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ تیر ۱۳۹۹، ۴ ژوئیه ۲۰۲۰



هفت تپه: شماره ۲۱ نوزدهمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه تا آخر به اعتصابمان ادامه میدهند

روز ۱۳ تیر جمعیت بزرگی از بخش های مختلف نیشکر هفت تپه در نوزدهمین روز از اعتصاب و اعتراضات قدرتمند خود در مقابل فرمانداری شوش تجمع کرده و پیگیر خواستهایشان شدند. تاکید کارگران بر اتحاد و یکپارچگی با انکاء به تصمیمات جمعی مجمع عمومی شان بود. کارگران میگویند تا وقتی پاسخ نگیرند کنار هم می ایستند و اعتراضشان را ادامه میدهند. بنا بر خبرها روز پنجشنبه ۱۲ تیرماه حقوق حدود ۴۰۰ نفر از کارگران قراردادی شاغل در بخشهای کشاورزی، حراست و کارخانه واریز گردید. اما مزد باقی کارگران این مجتمع ۵ هزار نفره پرداخت نشده است. پرداخت حقوق بخشی از کارگران و معطل گذاشتن دستمزد بقیه آنها، سیاستی در جهت تفرقه در صف متحد کارگران هفت تپه است و در برابر آن کارگران همگی اعلام کردند که اعتصابشان ادامه دارد و به تجمع امروز ۱۳ تیرماه در مقابل فرمانداری فراخوان دادند.

بعلاوه يك موضوع مهم که به خشم کارگران نیشکر هفت تپه بیشتر دامن زده است، به حراج گذاشتن زمین های این شرکت است که توطئه ای در جهت به تعطیلی کشاندن نیشکر هفت تپه است و کار و معیشت ۵ هزار کارگران این مجتمع بزرگ کارگری را به خطر می اندازد. بنا بر خبر ها مصطفی شفيعی مدير اخراج شده شرکت با همدستی مقاماتی از شرکت از جمله آمیلی قائم مقام شرکت و همراه او صابریان زاده، امجدی رئیس حراست، و محمد مسحنه معاون حراست مشغول توطئه گری و بالا کشیدن اموال شرکت هستند. محمد مسحنه مشغول اجاره دادن زمین های نیشکر هفت تپه به اقوام و نزدیکان و دارو

دسته های خود است. یکسر این چپاولها به خودحکومتیان میرسد. کارگران در برابر این چپاولگری ها ایستاده اند و با شعارهای يك اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، استاندار رشوه خوار نمیخواهیم، نمیخواهیم، کارگر هفت تپه اتحاد، اتحاد، متحدانه به اعتصاب خود ادامه میدهند.

کارگران خواستار خلع يد کامل از اسد بیگی و رستمی و باند مافیایی او در هفته تپه و پایان دادن به این چپاولگریها و برگرداندن پولهای به سرقت رفته به شرکت و در خدمت طلبهای کارگران هستند. کارگران همچنین خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی خود میباشند. نیرداختن دستمزدها و عدم تمدید دفترچه خدمات درمانی فشار اقتصادی سنگینی بر کرده کارگران نیشکر هفت تپه وارد کرده و این کارگران بر پرداخت فوری مطالبات و حق بیمه خود تاکید دارند.

از مبارزات و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه وسیعاً حمایت کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

۱۳ تیر ۱۳۹۹، ۳ ژوئیه ۲۰۲۰

هفت تپه: شماره ۲۰ تجمع کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری شوش کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد

روز ۱۲ تیر کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه در ادامه اعتراضاتشان مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند. در آنجا نیروهای انتظامی با حضور در محل تجمع سعی کردند که کارگران را متفرق کنند اما با مقاومت کارکنان روبرو شدند. در این حرکت اعتراضی یکی از کارگران طی سخنرانی ای بر حفظ اتحاد کارگران تاکید کرد و گفت: "تا یکی حرف بزند تهدید به اخراج میکنند. آقایون تا الان هم دست بردار تهدید نیستند. کسانی که خودشان هزار تا اتهام دارند. باز هم مستقیم و لایو تهدید میکنند که استعفا بده. ما می آییم داخل شرکت می بینیم اسم ما و عکس ما را زده اند و ورود ممنوع هستیم. از پادگان هم رد شده است. عوامل کارفرما، یکسری آمده اند که اسمشان استخدام است. اما تا حالا آنها را در شرکت ندیده ایم. می آیند يك سنگی می اندازند جلوی من کارگر و تفرقه ایجاد میکنند." او سپس با اشاره به بساط دزدی و چپاول حاکم در کارخانه بر اتحاد کارگران تاکید کرده و میگوید: "آقایان چیزی نمانده اینها نفس های آخرشان است. اتحاد داشته باشیم. هیچ تفرقه ای بین ما نیست. همه ما کارگر هفت تپه ایم. می جنگیم تا آخرین نفس." و در آخر سخنرانی او با کف زدن کارگران مورد تایید و استقبال قرار گرفت.

سپس کارگران بصورت راهپیمایی و با کف زدن و شعار دادن در خیابانهای اصلی شهر شوش به حرکت درآمدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهای "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "کارگر هفت تپه اتحاد، اتحاد" پاسخ گستاخی های حکومتیان را میدهند. این کارگران

مطالبات خود را بر روی بنری نوشته و در محل سنگر خود در کارخانه نصب کرده اند و در راهپیمایی خود در شهر آنرا بدست گرفته و خواستهایشان را فریاد میزنند.

کارگران نیشکر هفت تپه از آغاز سال جاری مزد نگرفته اند و دفترچه های بیمه شان بدلیل نپرداخت حق بیمه آنها تمدید نشده است و هجده روز است در اعتراض هستند، اما هنوز هیچ پاسخی به خواستهای بدیهی و برحق خود نگرفته اند. در دل زاعهای درونی شان بر سر منابع مالی این شرکت و دزدی هایشان اسد بیگی و رستمی و دارودسته مافیایی آنها به دادگاه کشیده شده اند، حسابهای آنها مسدود شده است، اما مزد کارگران پرداخت نمیشود. کارگر هفت تپه فریادش از گرسنگی و نداشتن پول حتی برای تامین شیرخشک فرزندش بلند است، این جانیان بصورت خیره و مثل صدقه ۵۰۰ هزار تومان کوپن به آنها میدهند. این چنین است که هفت تپه يك پارچه خشم و اعتراض است.

آنچه که در نیشکر هفت تپه میگذرد نمادی از وضعیت همه کارگران در مراکز مختلف کارگری و فضای اعتراضی کل جامعه است. کارگران نیشکر هفت تپه صدای قدرتمند اعتراض کارگران هستند. باید تمامی مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه فوراً پرداخت شود. باید به بساط چپاول و دزدی در این شرکت پایان داده شود. باید سرمایه داران کثیف و مفتخوری چون اسدبیگی و رستمی محاکمه شوند. باید پولهای به سرقت رفته از این مجتمع به کارگران بازگردد و باید کارگران اخراجی به سرکارشان بازگردند. اینها خواستهای کاملاً برحق و غیرقابل انکار کارگران نیشکر هفت تپه است. و باید عملی شوند. هیچ توطئه و تقلابی مانع کارگران برای دست یابی به خواستهای بدیهی و طبیعی شان نخواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

۱۲ تیر ۱۳۹۹، ۲ ژوئیه ۲۰۲۰

هفت تپه: شماره ۱۹ کارگران مجمع عمومی شان را مقابل فرمانداری تشکیل دادند

يك اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه روز یازدهم تیر ماه بار دیگر شاهد حرکت سیل بزرگ جمعیت کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه و طنین شعارهای اعتراضی شان بر فضای خیابانهای شهر شوش بودیم. در این روز کارگران این مجتمع ۵ هزار نفره، در هفدهمین روز اعتراضاتشان و در پی فراخوان روز گذشته ابتدا مقابل فرمانداری شوش تجمع کرده و مجمع عمومی شان را بر پا کردند. در این تجمع يك تاکید کارگران بر اتحاد و همبستگی مبارزاتی شان بود. بعد از تشکیل مجمع عمومی کارگران به صورت راهپیمایی و شعار گویان به سمت چهار دستگاه به حرکت درآمدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با کف زدن و سر دادن شعار "يك اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه" و شعار علیه کارفرمایان اختلاسگر اعتراض خود را به چپاولگری های حاکم

اعلام داشتند. مردم در خیابانها با حرکت دست و پا شادی از کارگران استقبال میکردند. در این روز همچنین کارگران در سخنرانی هایشان و در شعارهایشان حمایت خود را از نمایندگانشان و از همکارشان یوسف بهمنی به خاطر سخنان اعتراضی اش در دادگاه اسد بیگی مدیر عامل دزد نیشکر هفت تپه و در اعتراض به حمله کارفرما و عواملش به وی اعلام داشتند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا بیرون کردن بخش خصوصی از هفت تپه و بساط مافیایی در این کارخانه به اعتراضات و تجمعات خود در شهر شوش ادامه خواهند داد.

مردم شوش به اشکال مختلف حمایت خود را از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه نشان داده اند. بازار شوش قبل از طلی پیامی همبستگی خود را با کارگران اعلام داشت و برخی از مغازه داران و خواربار فروش ها با اعلام کمک به کارگران تا دریافت دستمزدهای معوقه شان بر مبارزات کارگران ارج گذاشته اند. این همبستگی ها پشتوانه ای برای تداوم مبارزات کارگران است و اجازه نمیدهد که فشار اقتصادی باعث تضعیف اعتراض آنان شود. این همبستگی ها را باید گسترش داد. ورود وسیع خانواده های کارگران به صف اعتراض کارگران میتواند حلقه مهمی برای گسترش این همبستگی ها در ابعاد اجتماعی و سراسری باشد.

اولین خواست کارگران نیشکر هفت تپه پرداخت دستمزدهای معوقه تمامی بخش های این مجتمع کارگری است که ادامه این وضعیت فشار اقتصادی سنگینی بر زندگی آنها وارد کرده است. کارگران دارند از گرسنگی و نداشتن پول برای تهیه شیرخشک فرزندشان سخن میگویند. بعلاوه حرف آنها اینست که حقوق آنها کفاف زندگی شان را نمیدهد و با توجه به گرانی ها دستمزدها باید بالای ده میلیون باشد. این کارگران از آغاز سال جاری مزدی نگرفته اند.

يك خواست اساسی کارگران نیشکر هفت تپه خلع يد کامل از کارفرمای اختلاسگر و بخش خصوصی مافیایی در این شرکت و پایان دادن به کارمیدان سابق شرکت است. در همین رابطه کارگران خواستار بازگشت ثروتهای اختلاس شده به کارگران هستند. و بالاخره اینکه يك تاکید مهم این کارگران بازگشت به کار همکاران اخراجی خود اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان خضری و سالار بیژنی هستند. از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعاً حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

۱۱ تیر ۱۳۹۹، ۱ ژوئیه ۲۰۲۰

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!